

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سوال های سی و سه سالانه کارشناسی ارشد

علوم قرآن

(جلد ۳)

۱۳۹۸-۱۴۰۴

پاسخ های تشریحی و راهبردی به مجموعه کامل سوالات آزمون های
کارشناسی ارشد بر اساس تحلیل تطبیقی سوالات و سرفصل های مصوب

تالیف و تدوین

گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

مقدمه

مقدمه تحلیلی

جدول فراوانی موضوعی سوالات

آزمون کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ۱۳۹۸

۴۲۰ علوم قرآنی

۴۲۲ پاسخ‌نامه علوم قرآنی

۴۴۰ درس‌نامه جامع علوم قرآن براساس پاسخ‌های آزمون

آزمون کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ۱۳۹۹

۴۴۷ علوم قرآنی

۴۴۹ پاسخ‌نامه علوم قرآنی

۴۶۰ درس‌نامه جامع علوم قرآن براساس پاسخ‌های آزمون

آزمون کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ۱۴۰۰

۴۶۳ علوم قرآنی

۴۶۵ پاسخ‌نامه علوم قرآنی

۴۷۷ درس‌نامه جامع علوم قرآن براساس پاسخ‌های آزمون

آزمون کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ۱۴۰۱

۴۸۰ علوم قرآنی

۴۸۲ پاسخ‌نامه علوم قرآنی

۴۹۳ درس‌نامه جامع علوم قرآن براساس پاسخ‌های آزمون

آزمون کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ۱۴۰۲

۴۹۶ علوم قرآنی

۴۹۸ پاسخ‌نامه علوم قرآنی

آزمون کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ۱۴۰۳

۵۱۶ علوم قرآنی

۵۱۸ پاسخ‌نامه علوم قرآنی

آزمون کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ۱۴۰۴

۵۳۷ علوم قرآنی

۵۳۹ پاسخ‌نامه علوم قرآنی

۵۸۱ پیوست‌ها

۵۸۳ تست‌های تالیفی با احتمال بسیار زیاد تکرار

۶۰۱ معرفی اجمالی اساتید و شخصیت‌ها، موضوعات تخصصی

۶۰۳ فرهنگ اصطلاحات تخصصی

۶۰۷ فهرست منابع

جلد سوم: چشم‌انداز آینده و منشور جامع علوم قرآنی

اینک، جلد سوم مجموعه باشکوه سؤالات آزمون کارشناسی ارشد علوم قرآنی (سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴)، به عنوان فاز نهایی و تکمیلی این پروژه عظیم، تقدیم حضور دانش‌پژوهان می‌گردد. این مجلد، نه صرفاً پایان یک مسیر، بلکه آغاز یک رویکرد جدید و استراتژیک در مطالعه است؛ رویکردی که با اتکا به عمق تحلیل گذشته، آینده آزمون را برای داوطلب روشن می‌سازد.

این اثر، حاصل کاربست دقیق‌ترین اصول تحلیل آماری و علمی است که سه دهه از تحولات فکری و ساختاری آزمون‌های عالی کشور را رصد کرده است. اگر دو جلد پیشین، بنیان دانش و بلوغ تحلیل را به ارمغان آوردند، این جلد، با تجهیز به پیش‌بینی‌های راهبردی، داوطلب را به نقطه اوج آمادگی می‌رساند.

کمالات منحصر به فرد: پیوند گذشته، حال و آینده

این مجموعه، با ساختاری متوازن و هدفمند، تمامی نیازهای داوطلب را در دوران حساس آمادگی نهایی، به طور فراگیر پوشش می‌دهد:

۱. سلاح پنهان: سؤالات تألیفی حیاتی با احتمال تکرار قریب به یقین

مهم‌ترین وجه امتیاز و نقطه درخشان این مجلد، گنجاندن سؤالات تألیفی حیاتی است. این بخش، نه بر اساس حدس، بلکه بر پایه تحلیل دقیق و بی‌نظیر ۳۳ سال آزمون علوم قرآنی تدوین شده و هماهنگ با گرایش‌های پنج سال اخیر طراحان سؤال (تمرکز بر تحلیل مبانی و دیدگاه‌ها) پیش می‌رود.

این سؤالات، نتیجه نهایی یک فرایند مهندسی معکوس علمی هستند که مفاهیم بنیادی و پرسامد را، که تا کنون به صورت مستقیم در آزمون‌ها مطرح نشده‌اند، هدف قرار می‌دهند. تمرین با این سؤالات، تضمین می‌کند که داوطلب برای هرگونه چالش جدید و عمیق در آزمون‌های آتی، آمادگی کامل دارد و با یقین علمی به سؤالاتی پاسخ می‌دهد که برای دیگران غافلگیرکننده خواهد بود.

۲. درسنامه‌های فشرده و نقطه‌زن: تثبیت دانش در لحظه

این جلد، با حفظ رویکرد نوین آموزشی، از ارائه درسنامه حجیم پرهیز کرده و در عوض، در پایان پاسخننامه هر سال، درسنامه‌های فشرده و نقطه‌زن را قرار داده است. این درسنامه‌ها، تنها به موضوعاتی که در همان سال پرسیده شده‌اند، می‌پردازند و بر مبنای اصل روان‌شناختی تکرار هدفمند و فاصله‌دار طراحی شده‌اند.

این روش، از پراکنده‌خوانی جلوگیری کرده و باعث می‌شود مفاهیم بنیادی، دیدگاه‌های اصلی و قواعد کلیدی، بلافاصله پس از حل مسئله، در ذهن داوطلب تثبیت شوند و به آسانی قابل بازیابی باشند.

۳. فراگیری تحلیل: پیوست‌های پشتیبان و مکمل

این مجموعه، با ارائه ابزارهای کمکی جامع، تجربه مطالعاتی داوطلب را به کمال می‌رساند:

- فهرست اجمالی شخصیت‌ها: این پیوست حیاتی، امکان شناسایی سریع و متمرکز بر آراء، آثار و دیدگاه‌های محوری اساتید و علمایی را فراهم می‌آورد که آراءشان محور سؤالات مقایسه‌ای و مبنایی است.

- فصاحت و شیوایی زبان: تمامی بخش‌های این اثر، با رعایت دقیق آیین نگارش و ویرایش زبان و ادبیات فارسی تدوین شده‌اند تا در کنار عمق علمی، از نظر سلاست و زیبایی بیان نیز در بالاترین سطح قرار گیرند.

این جلد، دروازه‌ای است به سوی درک روش‌شناسی واقعی علوم قرآنی؛ و آرزومندیم که با این ابزار قدرتمند، نه تنها در آزمون موفق شوید، بلکه به سنجش‌گر و تحلیل‌گر برجسته معارف و حیانی بدل گردید.

آزمون کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث ۱۳۹۸

علوم قرآنی



۴۷۶. «تأویل» در اصطلاح مفسران متقدم، در چه معنایی به کار می‌رفته است؟
 (۱) تفسیر (۲) تفسیر به رأی (۳) بیان بطون قرآن (۴) کشف معنای غیرظاهر
۴۷۷. کدام مورد در معنای کلمه «اعجاز»، نادرست است؟
 (۱) أُعْجَزْتُ زیداً: زید را عاجز و ناتوان کردم.
 (۲) أُعْجَزْتُ زیداً: زید را عاجز و ناتوان یافتم.
 (۳) أُعْجَزَهُ الامرُ الفلانی: فلان چیز از دست وی رفت.
 (۴) أُعْجَزَهُ الامرُ الفلانی: فلان چیز از او عاجز و ناتوان شد.
۴۷۸. علت تقدیم و تأخیر در آیه «و جعلنا ابن مریم و امه آیه»، کدام است؟
 (۱) وجود نشانه‌های الهی در حضرت عیسی (ع) بیش از مادرش
 (۲) سیاق آیات، زیرا در آیات قبل از موسی یاد شده
 (۳) زیرا در آیات قبل از حضرت مریم صحبت شده
 (۴) تقدم پسر بر مادر در نزد اقوام گذشته
۴۷۹. در آیه «مثل الذين كفروا بربهم أعمالهم كرماد اشتدت به الريح»، جهات و دو طرف تشبیه از کدام نوع هستند؟
 (۱) مشبه و مشبه‌به حسی (۲) مشبه و مشبه‌به عقلی
 (۳) مشبه عقلی و مشبه‌به حسی (۴) مشبه حسی و مشبه‌به عقلی
۴۸۰. از دیدگاه ابن عباس، معنای واژه «مشبوراً» در آیه «إني لاظنك يا فرعون مشبوراً»، کدام است؟
 (۱) هلاک‌شده (۲) جاهل و بی‌خبر (۳) مغرور و مستکبر (۴) ملعون و ممنوع از خیر
۴۸۱. کلمه «تتبیر» در آیه «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلُوا تَتَّبِعُوا»، به کدام معنا است؟
 (۱) هلاکت و به زبان نبوی (۲) توبه و به زبان سریانی (۳) بریده‌شدن و به زبان حبشی (۴) برائت و به زبان عجمی
۴۸۲. در کدام مورد، «اخبار از غیب» وجود ندارد؟
 (۱) انا کفیناک المستهزئين (۲) سیهزم الجمع و یولون الدبر (۳) لیظهره علی الدین کله (۴) عالم الغیب و الشهاده
۴۸۳. کدام مورد معنای «فحوای خطاب» است؟
 (۱) مفهوم موافق منطوق به طریق مساوی (۲) مفهوم موافق منطوق به طریق اولی^۱
 (۳) مفهوم مخالف منطوق به طریق مساوی (۴) مفهوم مخالف منطوق به طریق اولی^۱
۴۸۴. کدام آیه شریفه، مصداق «تسمیة الداعی الی الشئ باسم الصارف عنه» است؟
 (۱) و اجعل لی لسان صدق فی الآخیرین (۲) و لا یلدوا الا فاجراً کفارا
 (۳) ما منعک آلاً تسجد (۴) و اتوا الیتامی اموالهم
۴۸۵. کدام مورد سبب اجمال در آیه «فاصبح یقلب کفیه» است؟
 (۱) حذف (۲) غرابت لفظ (۳) اختلاف مرجع ضمیر (۴) عدم کثرت استعمال
۴۸۶. واژه‌های معرب «اسفار، آب، اباریق، رقیم»، در قرآن کریم به ترتیب به کدام معنا به کار رفته است؟
 (۱) سفرها - پدر - کوزه‌ها - کتاب (۲) کتاب‌ها - مرتع - کوزه‌ها - کتاب
 (۳) کتاب‌ها - پدر - ردوبرق‌ها - اعداد (۴) سفرها - مرتع - برق‌های آسمان - عدد
۴۸۷. رابطه آیه «فانکحوا ما طاب لکم من النساء» با آیه «حرمت علیکم امهاتکم ...»، کدام است؟
 (۱) عام و خاص (۲) مجمل و مبین (۳) ناسخ و منسوخ (۴) مطلق و مقید



۴۸۸. علت اجمال در آیه «فلا تُعْضِلُوهُنَّ»، کدام است؟

- (۱) اشتراک
- (۲) غرابت لفظ
- (۳) عدم کثرت استعمال
- (۴) حذف حرف «فی» یا «عن»

۴۸۹. آیه «یوم یکشف عن ساق» کنایه از کدام مطلب است؟

- (۱) آشکار شدن حقایق
- (۲) در هم پیچیدن امور
- (۳) شدت و عظمت
- (۴) رسوایی

۴۹۰. ناسخ آیه «و لله المشرق و المغرب ...» را کدام آیه می‌دانند؟

- (۱) فاینما تولوا فثم وجه الله
- (۲) فول وجهک شطر المسجد الحرام
- (۳) و ما جعلنا القبلة الّتی كنت علیها ...
- (۴) و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

۴۹۱. احتمال نسخ آیه «لا تقاتلوهم عند المسجد الحرام»، توسط کدام آیه است؟

- (۱) فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم
- (۲) یا ایها النبی حرّض المؤمنین علی القتال
- (۳) قاتلوهم حتی لا تكون فتنة
- (۴) قاتلوا المشرکین کافه

۴۹۲. در نوشت افزارهای معمول، برای نگارش قرآن «آفتاب» به کدام معنا است؟

- (۱) برگ‌های صاف و پهن درختان
- (۲) سنگ‌های سفید، نازک و ظریف
- (۳) جریده و چوبه نخل که برگ‌های آن را می‌کنند.
- (۴) چوب‌هایی که بر روی شتران می‌نهادند تا بر آنها سوار شوند.

۴۹۳. کدام مورد، معیارهای تمایز سوره‌های مکی از مدنی است؟

- (۱) مکان نزول - زمان نزول - مخاطبان
- (۲) کوتاهی و بلندی آیات و سوره - نحوه لحن و سخن آیات
- (۳) دعوت به اصول و فروع اسلامی - دعوت به ترک دشمنی
- (۴) نص و خبر - علایم صوری و ظاهری - علایم محتوایی و معنوی

۴۹۴. کدام مورد، اسباب گزینش و شهرت قرائت عاصم در میان مسلمانان است؟

- (۱) سند طلائی - توافق با قرائت همگانی - ویژگی‌های شخصی عاصم
- (۲) ویژگی‌های شخصی عاصم - توافق با قرائت سبعة - سند طلائی
- (۳) سند طلائی - موقعیت عاصم - انطباق آن با معیارها و ملاک‌ها
- (۴) توافق با قرائت سبعة - شهرت عاصم - سند طلائی

۴۹۵. به کدام یک از آیات، برای نفی نزول دفعی قرآن استدلال شده است؟

- (۱) و نزلناه تنزیلاً
- (۲) انا انزلناه فی لیلة القدر
- (۳) لتقرأه علی الناس علی مکث
- (۴) قد سمع الله قول الّتی تجادلک فی زوجها

۱. تعیین گزینه صحیح: گزینه ۱ عنوان کلی: معنای «تأویل» در اصطلاح مفسران متقدم

تبیین موضوع و عنوان‌گذاری: این سؤال به مفهوم و معنای اصطلاحی واژه «تأویل» در نزد مفسران متقدم می‌پردازد. در طول تاریخ تفسیر قرآن، این واژه معانی متعددی به خود گرفته است و شناخت دقیق معنای آن در هر دوره، به درک روش‌شناسی تفسیری آن دوره کمک می‌کند. این سؤال مربوط به سرفصل «علوم قرآنی (۲) (مفاهیم و اصطلاحات علوم قرآن)» و به طور خاص، مبحث «ترجمه و تفسیر قرآن» است.

تبیین و تحلیل گزینه صحیح (یا پاسخ تشریحی جامع): مفسران متقدم و بسیاری از علمای سلف، واژه «تأویل» را مترادف با «تفسیر» به کار می‌بردند. این رویکرد به معنای بیان و آشکار ساختن معنای ظاهری و مراد آیه بود. در این دوره، تمایز روشنی بین «تأویل» به معنای کشف بطون و معانی باطنی، و «تفسیر» به معنای شرح ظاهر، وجود نداشت. برای مثال، مجاهد (از تابعین و شاگردان ابن عباس) و طبری (مفسر بزرگ قرن سوم و چهارم هجری) از جمله علمایی بودند که «تأویل» و «تفسیر» را یکسان می‌دانستند و هر دو را به معنای شرح و توضیح مراد آیه به کار می‌بردند. در آثار تفسیری متقدم، مانند «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» اثر طبری، این کاربرد به وضوح مشاهده می‌شود. طبری در مقدمه تفسیر خود تصریح می‌کند که هدفش «تأویل» آیات قرآن است و منظور او از تأویل، همان تفسیر و بیان مراد الهی از کلام خویش است. این دیدگاه نشان می‌دهد که در آن زمان، تأویل عمدتاً به معنای بازگرداندن کلام به معنای اصلی و مورد نظر متکلم (یعنی خداوند) بوده است، خواه آن معنا ظاهر باشد و خواه باطنی، اما تمرکز اصلی بر فهم و بیان مراد ظاهری و اولیه آیات بوده است.

توضیحات تکمیلی:

- مجاهد بن جبر: (حدود ۲۱ - ۱۰۴ هجری قمری) از مشهورترین تابعین و مفسران قرآن. او شاگرد مستقیم ابن عباس بود و تفسیر او از کهن‌ترین تفاسیر موجود به شمار می‌رود. مجاهد در تفسیر خود به معنای ظاهری و لغوی آیات توجه ویژه داشت و روایات تفسیری از او از طریق شاگردانش نقل شده است. او «تأویل» و «تفسیر» را مترادف می‌دانست.
- محمد بن جریر طبری: (۲۲۴ - ۳۱۰ هجری قمری) از بزرگترین مورخان و مفسران اهل سنت. مشهورترین اثر تفسیری او «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» است که به «تفسیر طبری» شهرت دارد. او نیز تأویل را به معنای تفسیر و بیان مراد الهی به کار می‌برد.

توضیح اصطلاحات و مفاهیم کلیدی:

- تأویل: در لغت به معنای بازگشت دادن چیزی به اصل و مرجع آن است. در اصطلاح تفسیری، تأویل دارای معانی گوناگونی است:
 - معنای متقدم: (مورد نظر در این سؤال) مترادف با تفسیر و بیان مراد کلام الهی، چه ظاهر باشد و چه باطن.
 - معنای متأخر: در مراحل بعدی، تأویل به معنای کشف معانی باطنی، غیرظاهری و عمیق‌تر از ظاهر آیه، و گاهی به معنای منصرف کردن لفظ از معنای ظاهر به معنای پنهان‌تر به دلیل وجود قرینه، به کار رفت.
- تفسیر: در لغت به معنای کشف و ایضاح است. در اصطلاح علوم قرآنی، به معنای شرح و بیان مراد خداوند از آیات قرآن کریم است.
- بطون قرآن: به معنای پنهان و عمیق‌تر از معنای ظاهری آیات که تنها برای اهل معرفت و راسخون در علم آشکار می‌شود، اطلاق می‌گردد.

اطلاعات تکمیلی: تمایز میان «تأویل» و «تفسیر» یکی از مباحث مهم در علوم قرآنی و تاریخ تفسیر است. در حالی که مفسران متقدم این دو را مترادف می‌دانستند، به تدریج با گذشت زمان و گسترش مباحث کلامی و عرفانی، «تأویل» معنای خاص‌تری یافت و به کشف معانی باطنی و تأویل‌پذیر در برابر معنای ظاهری و تفسیری اختصاص یافت. این تمایز در آثار مفسران متأخر و به ویژه در تفاسیر فلسفی و عرفانی شیعه مانند تفسیر المیزان و تفاسیر اهل بیت (ع) برجسته‌تر شد. به عنوان مثال، در دیدگاه شیعی، تأویل واقعی قرآن در نزد ائمه معصومین (ع) است که دارای علم خاص به حقایق و بطون قرآن هستند.

منابع:

- حجتی، سید محمد باقر. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. (بخش تاریخ تفسیر)
- سیوطی، جلال الدین. الاتقان فی علوم القرآن. (بخش مباحثی در تفسیر و تأویل)

○ معرفت، محمد هادی. علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید. (بخش مباحثی در تفسیر و تأویل)

۴۷۷. گزینه ۴)

تبیین موضوع و عنوان‌گذاری: این سؤال به بررسی معانی مختلف واژه «اعجاز» در لغت می‌پردازد و هدف آن تشخیص معنای نادرست در میان گزینه‌های پیشنهادی است. شناخت ریشه‌های لغوی و معانی واژه اعجاز، برای فهم صحیح مفهوم اعجاز قرآن کریم و تحدی قرآن اهمیت زیادی دارد. این سؤال در سرفصل «اعجاز قرآن و پاسخ به شبهات» قرار می‌گیرد.

تبیین و تحلیل گزینه صحیح (یا پاسخ تشریحی جامع): واژه «اعجاز» از ریشه «عجز» به معنای ناتوانی و ضعف است. در لغت، «اعجاز» به معانی مختلفی به کار رفته است:

۱. فوت و از دست دادن چیزی: وقتی گفته می‌شود «أعجزه الأمر الفلانی»، یعنی «فلان چیز را از دست داد و از او فوت شد». (مانند معنی «از دست وی رفت» در گزینه ۳).

۲. احساس عجز و ناتوانی در دیگری: زمانی که گفته می‌شود «أعجزتُ زیداً»، یعنی «زید را عاجز و ناتوان یافتم». (مانند معنی «زید را عاجز و ناتوان یافتم» در گزینه ۲).

۳. به وجود آوردن عجز و ناتوانی در دیگری، طرف مقابل را عاجز و ناتوان نمودن: مانند «أعجزتُ زیداً» به معنای «زید را عاجز و ناتوان کردم». (مانند معنی «زید را عاجز و ناتوان کردم» در گزینه ۱). گزینه ۴ که بیان می‌کند «فلان چیز از او عاجز و ناتوان شد»، نادرست است. زیرا در ساختار «أعجزه الأمر الفلانی»، فاعل (الأمر الفلانی) است که موجب عجز شخص (مفعول) می‌شود، نه اینکه خود آن چیز عاجز و ناتوان شود. این تعبیر بر خلاف ساختار و معنای لغوی فعل «أعجز» است. فعل «أعجز» در باب افعال، متعدی است و به معنای عاجز ساختن یا عاجز یافتن است، نه اینکه فاعل آن دچار عجز شود.

توضیحات تکمیلی:

- اعجاز: در اصطلاح علوم قرآنی، اعجاز به معنای آوردن چیزی خارق‌العاده و ناتوان کننده است که بشر از آوردن مثل آن عاجز باشد. اعجاز قرآن یعنی قرآن کریم از جنبه‌های مختلفی (مانند فصاحت و بلاغت، محتوای علمی، تشریحی، غیبی و...) چنان خارق‌العاده است که هیچ‌کس توانایی آوردن سوره‌ای مانند آن را ندارد و این نشان‌دهنده الهی بودن آن است.
- تحدی: به معنای به مبارزه طلبیدن است. قرآن کریم بارها با دعوت به آوردن سوره‌ای مانند آن، بشر را به تحدی طلبیده است که این خود از ابعاد اعجاز قرآن است.

توضیح اصطلاحات و مفاهیم کلیدی:

- صرف و نحو: در اینجا، تحلیل معنای «اعجاز» و بررسی ساختار فعل «أعجز» در باب «افعال» (که از فعل ثلاثی مجرد «عجز» ساخته می‌شود)، به مباحث صرفی (ساختمان کلمه) و نحوی (نقش کلمه در جمله) مربوط است. فعل «أعجز» از باب «افعال» است که معمولاً برای تعدیه فعل (متعدی کردن فعل لازم) یا دلالت بر «مصادفه» (یافتن چیزی بر وصفی خاص) به کار می‌رود. در اینجا، در «أعجزتُ زیداً»، معنای «یافتن» یا «عاجز کردن» را می‌دهد که هر دو متعدی هستند. در عبارت «أعجزه الأمر الفلانی»، نیز به معنای «آن امر، او را عاجز کرد» یا «آن امر از دست او فوت شد» است.
- اطلاعات تکمیلی: مبحث اعجاز قرآن از مهمترین مباحث علوم قرآنی است که هدف آن اثبات الهی بودن قرآن و رد شبهات منکرین است. وجوه اعجاز قرآن بسیار متنوع است و شامل ابعاد بیانی (فصاحت و بلاغت)، علمی، تشریحی، غیبی (اخبار از آینده)، عددی و ... می‌شود. بررسی دقیق لغوی واژه «اعجاز» اولین گام در فهم این مفهوم است.

منابع:

- خوئی، سید ابوالقاسم. البیان فی تفسیر القرآن. (مقدمه کتاب، بخش اعجاز)
- معرفت، محمد هادی. التمهید فی علوم القرآن. (جلد ۴ و ۵ و ۶). قم: مؤسسه النشر الاسلامی. (بخش اعجاز)

۴۷۸. گزینه ۲)

تبیین موضوع و عنوان‌گذاری: این سؤال به یکی از ظرایف بلاغی و نظم قرآنی، یعنی «تقدیم و تأخیر» در آیه شریفه «و جعلنا ابن مریم و امه آیه» (سوره مؤمنون، آیه ۵۰) می‌پردازد. این مبحث، از جمله مباحث «علوم بلاغی و بیانی قرآن» است و به طور خاص، در سرفصل «مباحث بلاغی و بیانی قرآن» از دروس جامع علوم قرآنی قرار می‌گیرد.



تبیین و تحلیل گزینه صحیح (یا پاسخ تشریحی جامع): آیه شریفه: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ» (مؤمنون: ۵۰) ترجمه: «و پسر مریم و مادرش را نشانه (قدرت خود) قرار دادیم، و آنها را در سرزمینی بلند و آرام و دارای آب روان، جای دادیم.» علت تقدیم ذکر «ابن مریم» (حضرت عیسی (ع)) بر «آمه» (حضرت مریم (س)) در این آیه، به دلیل سیاق آیات پیشین است. در آیات قبل از این آیه، به تفصیل داستان حضرت موسی (ع) و معجزات او بیان شده است. هنگامی که قرآن از پیامبری چون موسی سخن می‌گوید که دارای معجزات آشکار و رسالت عظیمی بود، ذکر حضرت عیسی (ع) در ادامه این سیاق، از نظر بلاغی مناسب‌تر است. ابن برهان (از علمای بلاغت) نیز این تقدیم را به دلیل آنکه در آیات پیشین از حضرت موسی (ع) یاد شده است و مناسبت با این سیاق، اقتضای تقدیم ذکر حضرت عیسی (ع) را دارد، صحیح دانسته است. این تقدیم و تأخیر جنبه بلاغی و انسجام متنی دارد و نشان‌دهنده رعایت پیوستگی در روایت‌های قرآنی است.

مباحث صرف و نحو و علوم بلاغی و اعراب‌گذاری:

- **تقدیم و تأخیر:** از مباحث مهم در علم معانی (بخشی از علوم بلاغی) است. تقدیم و تأخیر عبارت است از جابجایی اجزای کلام از ترتیب طبیعی و اصلی آنها به دلایل بلاغی، مانند اهمیت، تأکید، تناسب با سیاق، یا ایجاد زیبایی ادبی. در این آیه، تقدیم «ابن مریم» بر «آمه» به دلیل رعایت تناسب با سیاق قبل است.
- **نحو:** در عبارت «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً»، «ابن مریم» و «آمه» هر دو مفعول اول برای فعل «جعلنا» هستند و «آیه» مفعول دوم. ترتیب عادی این است که مفعول اول مقدم بر مفعول دوم و مضاف‌الیه (مریم) مؤخر از مضاف (ابن) باشد که در اینجا رعایت شده است. بحث تقدیم و تأخیر در اینجا مربوط به تقدم یکی از دو معطوف (ابن مریم) بر دیگری (آمه) است که جنبه بلاغی دارد.

توضیحات تکمیلی:

- **حضرت عیسی (ع):** از پیامبران اولوالعزم و فرزند حضرت مریم (س) که بدون پدر متولد شد. معجزات او شامل شفای بیماران، زنده کردن مردگان و سخن گفتن در گهواره بود.
- **حضرت مریم (س):** از زنان برگزیده الهی و مادر حضرت عیسی (ع). در قرآن کریم سوره‌ای به نام او وجود دارد و جایگاه والایی دارد.

اطلاعات تکمیلی: علم تقدیم و تأخیر در بلاغت قرآنی، به بررسی دلایل و حکمت‌های تقدیم یک کلمه یا جمله بر دیگری می‌پردازد. این دلایل می‌تواند شامل اهمیت متقدم، تأکید بر آن، رعایت وزن و قافیه، تناسب با سیاق قبلی یا بعدی، یا ایجاد ارتباط منطقی و معنوی باشد. در این آیه، دلیل اصلی، همانطور که ذکر شد، حفظ انسجام و پیوستگی در روایت‌های قرآنی و ذکر انبیا است.

منابع:

- سیوطی، جلال الدین. الاتقان فی علوم القرآن. (جلد ۲، بخش تقدیم و تأخیر)
- معرفت، محمد هادی. علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید. (بخش مباحث بلاغی)

۴۷۹. گزینه ۳

تبیین موضوع و عنوان‌گذاری: این سؤال به نوع تشبیه به کار رفته در آیه شریفه «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ» (سوره ابراهیم، آیه ۱۸) از منظر حسی و عقلی بودن مشبه و مشبه‌به می‌پردازد. این مبحث، از جمله مباحث «علوم بلاغی و بیانی قرآن» و به طور خاص در سرفصل «مباحث بلاغی و بیانی قرآن» از دروس جامع علوم قرآنی قرار می‌گیرد.

تبیین و تحلیل گزینه صحیح (یا پاسخ تشریحی جامع): آیه شریفه: «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَأَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البُعِيدُ» (ابراهیم: ۱۸) ترجمه: «داستان کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، اعمالشان مانند خاکستری است که بادی تند در روزی طوفانی آن را با خود برده باشد؛ آنان از آنچه کسب کرده‌اند، بر هیچ چیز دست نمی‌یابند؛ این همان گمراهی دور است.» در این آیه، تشبیه «اعمال کافران» (مشبه) به «خاکستر پراکنده شده توسط باد» (مشبه‌به) صورت گرفته است.

- **مشبه:** «أَعْمَالُهُمْ» (اعمال کافران) یک مفهوم عقلی است. اعمال، پدیده‌هایی هستند که با حواس پنج‌گانه قابل درک نیستند و تنها با عقل و درک ذهنی می‌توان آنها را تصور کرد.

- **مشبهه به:** «رَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ» (خاکستری که باد آن را پراکنده کرده است) یک مفهوم حسی است. خاکستر و پراکنده شدن آن توسط باد، امری است که با چشم دیده می‌شود (بینایی) و لمس می‌شود (لامسه). بنابراین، این تشبیه از نوع «مشبهه عقلی و مشبهه به حسی» است. این نوع تشبیه برای تجسم بخشیدن به مفاهیم انتزاعی و ناملموس در قالب امور ملموس و قابل درک حسی به کار می‌رود تا معنا را روشن‌تر و تأثیرگذارتر بیان کند.

مباحث صرف و نحو و علوم بلاغی و اعراب‌گذاری:

- **تشبیه:** از ارکان علم بیان (بخشی از علوم بلاغی) است. تشبیه عبارت است از همانند ساختن دو چیز یا دو امر در یک صفت یا صفات مشترک. ارکان تشبیه عبارتند از:
 - **مشبه:** چیزی که مورد تشبیه قرار می‌گیرد.
 - **مشبه به:** چیزی که مشبه به آن تشبیه می‌شود.
 - **وجه شبه:** صفت مشترک میان مشبه و مشبه به. در این آیه، وجه شبه، بی‌ارزشی، بی‌اثری و نابودی است.
 - **ادات تشبیه:** واژه‌ای که برای بیان تشبیه به کار می‌رود (مانند «ک» در «کَرَمَادٍ»).

○ انواع تشبیه از حیث حسی و عقلی بودن:

- **مشبه و مشبه به حسی:** هر دو با حواس درک می‌شوند. (مثال: العلم کالنور = هر دو محسوس نیستند)
 - **مشبه و مشبه به عقلی:** هر دو با عقل درک می‌شوند. (مثال: الجهل کالموت = هر دو عقلی)
 - **مشبه عقلی و مشبه به حسی:** مشبه عقلی و مشبه به حسی. (مثال: العلم کالنور = نور حس است)
 - **مشبه حسی و مشبه به عقلی:** مشبه حسی و مشبه به عقلی.
- **نحو:** «مثل» در اینجا مبتدا و «الذین کفروا» مضاف‌الیه آن است. «أعمالهم» بدل از «مثل» یا مبتدای ثانی است. «کرماد» جار و مجرور، متعلق به محذوف و در محل خبر یا خود خبر است. «اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ» جمله وصفی برای «رماد» است.
- اطلاعات تکمیلی:** استفاده از تشبیهات حسی برای تبیین مفاهیم عقلی، یکی از شیوه‌های رایج در قرآن کریم برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب و ملموس ساختن معانی است. این شیوه به مخاطب کمک می‌کند تا با تجسم عینی، مفهوم انتزاعی را بهتر درک کند و عمق پیام الهی را دریابد. در این آیه، بیهودگی و بی‌ارزشی اعمال کافران به خوبی با تشبیه به خاکستر پراکنده شده، نمایش داده می‌شود که هر قدر هم جمع‌آوری شود، با کوچکترین باد از بین می‌رود.

منابع:

- سیوطی، جلال الدین. الاتقان فی علوم القرآن. (جلد ۲، بخش تشبیه)
- عمید زنجانی، عباسعلی. مبانی و روش‌های تفسیر قرآن. تهران: وزارت ارشاد اسلامی. (بخش بلاغت قرآن)
- معرفت، محمد هادی. علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید. (بخش مباحث بلاغی)

۴۸۰. گزینه ۴

- تبیین موضوع و عنوان‌گذاری:** این سؤال به معنای یکی از واژگان غریب القرآن، یعنی واژه «مَثُوراً» در آیه شریفه «إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثُوراً» (سوره اسراء، آیه ۱۰۲) از دیدگاه ابن عباس می‌پردازد. این مبحث در سرفصل «علوم قرآنی (۲) (مفاهیم و اصطلاحات علوم قرآن)» و به طور خاص، مبحث «غریب القرآن» قرار می‌گیرد.
- تبیین و تحلیل گزینه صحیح (یا پاسخ تشریحی جامع):** آیه شریفه: «قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُ مَا أُنزِلَ بِهِ إِلَهِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثُوراً» (اسراء: ۱۰۲) ترجمه: «(موسی) گفت: تو (ای فرعون) خودت می‌دانی که اینها را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین برای بصیرت (مردم) نازل نکرده است، و من گمان می‌کنم ای فرعون! تو (نفرین شده و) دور از رحمت خدا هستی (و به هلاکت می‌رسی).» در خصوص معنای واژه «مَثُوراً»، مفسران و لغت‌شناسان دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. از جمله:
- **هلاک شده:** بسیاری از مفسران این معنا را برای «مَثُوراً» ذکر کرده‌اند، یعنی فرعون هلاک شده یا در حال هلاکت است.
 - **ملعون و ممنوع از خیر:** این معنا از دیدگاه ابن عباس است. به باور ابن عباس، منظور این است که «تو را به دلیل انکار آگاهانه حق، نفرین شده و دور از رحمت خدا می‌شناسم.» این معنا شامل مفهوم «ممنوع از خیر» نیز می‌شود؛ یعنی کسی که از خیر و هدایت الهی محروم شده و مستحق لعن است.



- جاهل و بی‌خبر: این معنا کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
 - مغرور و مستکبر: این معنا نیز به طور مستقیم برای «مَثْبُوراً» ذکر نشده، هرچند تکبر فرعون دلیل هلاکت اوست. بنابراین، دیدگاه ابن عباس، معنای «ملعون و ممنوع از خیر» را برای «مَثْبُوراً» تأیید می‌کند.
- مباحث صرف و نحو و علوم بلاغی و اعراب‌گذاری:**

- صرف: واژه «مَثْبُوراً» اسم مفعول از ریشه «ث ب ر» است. «ثَبَّرَ» به معنای «منع کرد» یا «به هلاکت رساند» به کار می‌رود. «مَثْبُور» یعنی «منع شده» یا «هلاک شده».

توضیحات تکمیلی:

- ابن عباس: (عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب) از صحابه بزرگ پیامبر اسلام (ص) و از برجسته‌ترین مفسران قرآن در صدر اسلام. او را «حبر الامه» (دانشمند امت) و «ترجمان القرآن» (مترجم قرآن) لقب داده‌اند. دیدگاه‌های تفسیری او از طریق شاگردانی چون مجاهد، سعید بن جبیر و عکرمه نقل شده است.
- فرعون: لقب پادشاهان مصر باستان. در قرآن کریم به پادشاه ستمگری اشاره دارد که در زمان حضرت موسی (ع) حکومت می‌کرد و به دلیل طغیان و استکبارش غرق شد.
- غریب القرآن: به واژگانی در قرآن کریم گفته می‌شود که معنای آنها برای مخاطبان عرب زبان در زمان نزول یا پس از آن، نامأنوس یا دشوار بوده و نیاز به توضیح و تفسیر داشته است.

اطلاعات تکمیلی: شناخت «غریب القرآن» برای فهم دقیق معانی آیات از اهمیت بالایی برخوردار است. بسیاری از مفسران، از جمله ابن عباس، در تبیین این واژگان نقش مهمی داشته‌اند. تفاوت در معانی ذکر شده برای یک واژه، گاهی ناشی از تفاوت در برداشت‌های لغوی یا ارتباط با سیاق آیات است. دیدگاه ابن عباس در زمینه تفسیر به دلیل نزدیکی او به زمان نزول و بهره‌مندی از محضر پیامبر (ص)، از اعتبار خاصی برخوردار است.

منابع:

- طباطبایی، سید محمد حسین. تفسیر المیزان. (ذیل آیه ۱۰۲ سوره اسراء)
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (ذیل آیه ۱۰۲ سوره اسراء)
- زرکشی، بدرالدین. البرهان فی علوم القرآن. (بخش غریب القرآن)

۴۸۱. گزینه ۱)

تبیین موضوع و عنوان‌گذاری: این سؤال به معنای واژه «تَتَبَّر» در آیه «لِيَتَّبِرُوا مَا عَلَوْا تُتَبِّرًا» (سوره اسراء، آیه ۷) و خاستگاه زبانی آن می‌پردازد. این مبحث نیز ذیل سرفصل «علوم قرآنی (۲) (مفاهیم و اصطلاحات علوم قرآن)» و به طور خاص، در مبحث «واژه‌های معرب در قرآن» یا «غریب القرآن» قرار می‌گیرد.

تبیین و تحلیل گزینه صحیح (یا پاسخ تشریحی جامع): آیه شریفه: «فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أُولَٰئِكَ لِيَتَّبِرُوا مَا عَلَوْا تُتَبِّرًا» (اسراء: ۷) ترجمه: «و چون وعده آخر (عذاب شما) فرا رسد (قومی را بر شما مسلط می‌کنیم) تا شما را پریشان و غمگین سازند و (تا) همان‌گونه که بار اول به مسجد وارد شدند (و آن را ویران کردند)، وارد شوند و بر هرچه دست یافتند یکسره (آن را) نابود کنند.» واژه «تَتَبَّر» (که از ریشه «ثَبَّرَ» می‌آید) به معنای «هلاکت، نابودی و تخریب کامل» است. بسیاری از مفسران و لغت‌شناسان معتقدند که این واژه در اصل غیرعربی بوده و «معرب» (عربی شده) از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی و سپس قرآن شده است. بر اساس روایات و اقوال برخی از صحابه و تابعین، از جمله سعید بن جبیر (شاگرد ابن عباس)، کلمه «تَتَبِّرًا» در این آیه، «بقره» (احتمالاً اشتباه در نقل: منظور واژه مربوط به تباهی و نابودی) واژه‌ای نبطی است. بنابراین، معنای «هلاکت و به زبان نبطی» برای این واژه صحیح است. معانی دیگر مانند «توبه و به زبان سریانی»، «بریده‌شدن و به زبان حبشی» یا «برائت و به زبان عجمی» برای این واژه و خاستگاه زبانی آن، مورد تأیید منابع معتبر نیستند.

مباحث صرف و نحو و علوم بلاغی و اعراب‌گذاری:

- صرف: «تَتَبَّر» مصدر فعل «ثَبَّرَ» (باب تفعیل) است. این باب معمولاً برای تعدیه فعل، تکثیر یا شدت فعل به کار می‌رود. اینجا به معنای شدت و کثرت نابودی است.
- اعراب‌گذاری: «تَتَبِّرًا» مفعول مطلق برای فعل «لِيَتَّبِرُوا» است و برای تأکید بر معنای نابودی کامل آمده است.



توضیحات تکمیلی:

- سعید بن جبیر: (حدود ۴۵ - ۹۵ هجری قمری) از تابعین بزرگ و از شاگردان برجسته ابن عباس. او فقیه و قاری بود و تفسیری نیز از او نقل شده است. او از جمله کسانی بود که در مورد واژگان غریب القرآن و معرب در قرآن دیدگاه‌هایی داشت.
- لغت نبطی: زبان مردم نبطی (اقوامی در جنوب شام و شمال جزیره العرب) که در گذشته رواج داشت. برخی از واژگان این زبان وارد زبان عربی شده‌اند.

توضیح اصطلاحات و مفاهیم کلیدی:

- معرب: به واژه‌ای گفته می‌شود که اصالتاً عربی نیست، اما در زبان عربی به کار رفته و گاهی تغییراتی در ساختار یا تلفظ آن ایجاد شده است. قرآن کریم حاوی تعدادی واژه معرب است که نشان‌دهنده تعامل زبان عربی با دیگر زبان‌ها در دوران نزول است.

اطلاعات تکمیلی: بحث وجود واژگان غیرعربی در قرآن (معرب) از مباحث دیرینه در علوم قرآنی است. برخی از علما معتقدند که قرآن تماماً به زبان عربی فصیح نازل شده و واژگان به ظاهر غیرعربی، در واقع ریشه عربی دارند یا در زمان نزول، جزئی از زبان عربی رایج بوده‌اند. اما نظر غالب این است که برخی واژگان با ریشه غیرعربی (معرب) در قرآن وجود دارند که با فرهنگ و زبان مخاطبان زمان نزول عجین شده بودند. سیوطی در الاتقان فصلی را به «ما وقع فی القرآن من غیر لغة العرب» (آنچه در قرآن از غیر زبان عربی آمده است) اختصاص داده و به این موضوع پرداخته است.

منابع:

- سیوطی، جلال الدین. الاتقان فی علوم القرآن. (جلد ۱، بخش کلمات غیرعربی قرآن)
- زرکشی، بدرالدین. البرهان فی علوم القرآن. (بخش غریب القرآن)
- معرفت، محمد هادی. علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید. (بخش غریب القرآن)

۴۸۲. گزینه ۴

تبیین موضوع و عنوان‌گذاری: این سؤال به یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم، یعنی «اخبار از غیب» (پیش‌گویی حوادث آینده) می‌پردازد و از میان گزینه‌های داده شده، موردی را که فاقد این ویژگی است، طلب می‌کند. این مبحث در سرفصل «اعجاز قرآن و پاسخ به شبهات» قرار می‌گیرد.

تبیین و تحلیل گزینه صحیح (یا پاسخ تشریحی جامع): «اخبار از غیب» به پیش‌گویی‌های قرآن کریم درباره حوادثی گفته می‌شود که در آینده به وقوع خواهند پیوست و در زمان نزول آیه، هیچ‌کس جز خداوند از آنها خبر نداشته است. این نوع آیات، از جوه اعجاز قرآن محسوب می‌شوند. حال به بررسی گزینه‌ها می‌پردازیم:

۱. «إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» (حجر: ۹۵): «ما شرّ مسخره‌کنندگان را از تو کفایت کردیم.» این آیه در مورد حفاظت الهی از پیامبر (ص) در برابر توطئه‌های مسخره‌کنندگان مکی است. این آیه، خبری از آینده می‌دهد که خداوند پیامبرش را از گزند آنها حفظ خواهد کرد و آنها به سزای عمل خود خواهند رسید.
۲. «سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيَوْلُونَ الدَّبْرَ» (قمر: ۴۵): «به زودی جمع (دشمنان) شکست خواهند خورد و پشت خواهند کرد.» این آیه پیش‌گویی شکست مشرکان در جنگ بدر است که در زمان نزول در مکه و پیش از وقوع جنگ، خبر از آن داده است.
۳. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (صف: ۹): «تا آن (اسلام) را بر همه دین‌ها پیروز گرداند.» این آیه پیش‌گویی پیروزی نهایی اسلام بر تمام ادیان و مکاتب دیگر است که در آینده محقق خواهد شد و وعده‌ای قطعی از جانب خداوند است.
۴. «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ» (رعد: ۹ و...): «دانای نمان و آشکار.» این آیه به صفت علم ذاتی خداوند به غیب و شهود اشاره دارد و خبری از آینده نمی‌دهد، بلکه بیانگر علم مطلق الهی است. این آیه، خود بیانگر این است که خداوند عالم به غیب است، اما به طور خاص یک پیش‌گویی درباره حادثه آینده نیست، بلکه بیان یک صفت الهی است.

بنابراین، گزینه‌ای که در آن «اخبار از غیب» (به معنای پیش‌گویی وقوع حادثه آینده) وجود ندارد، گزینه ۴ است.

مباحث صرف و نحو و علوم بلاغی و اعراب‌گذاری:

- غیب: در لغت به معنای پنهان و پوشیده است. در اصطلاح قرآنی، به هر آنچه از دید انسان پنهان است و تنها خداوند از آن آگاهی دارد، اطلاق می‌شود.

پیوست ها

- تست های تالیفی با احتمال بسیار زیاد تکرار در آزمون های آتی

- واژه نامه و شرح اصطلاحات تخصصی

- نمایه index

مجموعه آزمون سرنوشت‌ساز: دلالت‌شناسی و قواعد فهم قرآن

۱. کدام گزینه، تفاوت ماهوی «نسخ» و «تخصیص» را به دقیق‌ترین شکل بیان می‌کند؟

۱. نسخ، حکم را برای برخی افراد برمی‌دارد، اما تخصیص، حکم را برای تمام افراد در زمانی خاص محدود می‌کند.
۲. نسخ، مربوط به پایان یافتن زمان اعتبار یک حکم برای همگان است، در حالی که تخصیص، مربوط به خارج کردن برخی افراد از شمول یک حکم دائمی است.
۳. نسخ، همواره با دلیل قرآنی صورت می‌گیرد، اما تخصیص می‌تواند با دلیل عقلی نیز انجام شود.
۴. نسخ، حکم را به بدل سبک‌تر تغییر می‌دهد، در حالی که تخصیص، حکم را بدون جایگزین محدود می‌سازد.

پاسخ صحیح: گزینه ۲

تحلیل: این گزینه به درستی تفاوت بنیادین این دو مفهوم را بیان می‌کند. نسخ به زمان حکم کار دارد و تاریخ اعتبار آن را برای همه افراد به پایان می‌رساند. اما تخصیص به افراد کار دارد و صرفاً دایره شمول یک حکم را محدود به افراد خاصی می‌کند، در حالی که حکم برای سایرین همچنان پابرجاست.

- **نقد گزینه‌های دیگر:** گزینه ۱ مفاهیم را کاملاً برعکس تعریف کرده است. گزینه ۳ نادرست است، زیرا نسخ می‌تواند با سنت قطعی نیز صورت گیرد و تخصیص نیز با دلیل قرآنی ممکن است. گزینه ۴ یک حکم کلی نادرست می‌دهد، زیرا نسخ می‌تواند به بدل مساوی یا سنگین‌تر نیز باشد.

۲. از دیدگاه آیت‌الله خویی در «البیان»، اکثر مواردی که متقدمین به عنوان «نسخ» معرفی کرده‌اند، در حقیقت مصداق کدام یک

از موارد زیر هستند؟

۱. نسخ تلاوت دون الحکم
۲. تحریف معنوی
۳. تخصیص عام یا تفاوت در موضوع
۴. اختلاف قرائات

پاسخ صحیح: گزینه ۳

تحلیل: شاهبیت رویکرد آیت‌الله خویی در مبحث نسخ، استفاده از ابزارهای علم اصول فقه برای «جمع» میان آیات به جای «حذف» یکی از آنهاست. ایشان معتقدند تا زمانی که بتوان یک آیه را مخصص (تخصیص‌دهنده) آیه دیگر دانست یا هر آیه را ناظر به شرایط و موضوعی متفاوت تلقی کرد، نوبت به نسخ نمی‌رسد. این رویکرد، تعداد آیات منسوخه را به شدت کاهش می‌دهد.

- **نقد گزینه‌های دیگر:** ایشان اساساً نسخ تلاوت را نمی‌پذیرند (گزینه ۱). تحریف معنوی به تفسیر نادرست مربوط است، نه رابطه میان دو آیه (گزینه ۲). اختلاف قرائات نیز به نحوه خوانش مربوط است و ارتباطی با نسخ ندارد (گزینه ۴).

۳. کدام گزینه، حکمت اصلی وجود آیات متشابه در قرآن را بر اساس دیدگاه غالب مفسران شیعه، به بهترین شکل تبیین

می‌کند؟

۱. آزمودن ایمان مؤمنان و تفکیک آنان از منافقان
۲. ایجاد نیاز دائمی امت به مفسران حقیقی وحی (راسخان در علم)
۳. به نمایش گذاشتن اوج فصاحت و بلاغت قرآن
۴. تسهیل در فهم معارف برای سطوح مختلف فکری

پاسخ صحیح: گزینه ۲

تحلیل: بر اساس مکتب اهل بیت (ع)، یکی از فلسفه‌های اصلی وجود متشابهات، این است که مردم برای فهم حقایق عمیق دین، همواره خود را نیازمند مراجعه به حجت‌های الهی (پیامبر و ائمه) بدانند. این امر، مانع از تفسیر به رأی و تفرقه در دین می‌شود و مرجعیت علمی اهل بیت را تثبیت می‌کند.

- **نقد گزینه‌های دیگر:** گرچه گزینه‌های ۱ و ۴ نیز می‌توانند از حکمت‌های فرعی باشند، اما حکمت اصلی و بنیادین از منظر شیعه، حفظ جایگاه مرجعیت علمی معصوم است. گزینه ۳ نیز بیشتر به اعجاز بیانی مربوط است تا حکمت وجود متشابهات.